

نشریه علمی - پژوهشی بهبود مدیریت
سال نهم، شماره ۴، پیاپی ۳۰، زمستان ۱۳۹۴
صفحات ۱۴۰ - ۱۱۳

تحلیل کیفی رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی سیاستی در صنعت خودرو

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳)

حسن دانایی‌فرد^۱، محسن میری^{۲*}

چکیده

با نگاهی کلی به حوزه خط‌مشی‌گذاری، مشخص می‌شود که به علت ماهیت بین‌رشته‌ای آن، اندیشمندان و صاحب‌نظران با نگاه بنگاه‌های متفاوت علمی به آن پرداخته‌اند. یکی از چالش‌های خط‌مشی‌گذاران، به طور عام و صنعت خودرو به طور خاص، بروز پدیده‌ای به نام نزدیک‌بینی سیاستی است. در این پژوهش، تلاش گردیده که با تعمیق نگاه در بررسی بیماری نزدیک‌بینی سیاستی، ابعاد این موضوع از منظر سایر علوم انسانی نیز مورد تحقیق قرار گیرد. بر این اساس در این مقاله ابتدا به تبیین نزدیک‌بینی سیاستی پرداخته و سپس ادبیات موجود در خصوص این آسیب با دقت نظر در دیدگاه‌های مختلفی که از سوی اندیشمندان رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی و تحلیل‌گران سیستم تبیین شده، مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان با تحلیل کیفی رویکردهای ارائه شده در حوزه‌های مذکور به منطق گونه‌شناسی این رویکردها اشاره گردیده است. با مقایسه رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی سیاستی در صنعت خودرو، عدم توجه به دو مؤلفه ویژگی شخصیت خط‌مشی‌گذار و همچنین ویژگی‌های صنعت مشخص گردید و پیشنهاد می‌گردد که علاوه بر رویکردهای پنج‌گانه از بعد روان‌شناسانه و نیز جذابیت‌های صنعت در تبیین چرایی نزدیک‌بینی استفاده شود.

واژگان کلیدی:

خط‌مشی‌گذاری، نزدیک‌بینی، چرخه خط‌مشی‌گذاری، آینده‌نگری

۱ - هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

۲ - دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسؤول): emadm33@gmail.com

۱- مقدمه

چرخه خطمشی‌گذاری با آسیب و چالش‌هایی همراه است که فهم و مقابله با آن‌ها تأثیر به‌سزایی در عملکرد بهینه آن خواهد داشت. میل به روزمرگی در کنار غفلت از آینده یکی از چالش‌هایی است که خطمشی‌گذاران و شاکله کلان اداره هر جامعه‌ای را می‌تواند دربرگیرد. در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن بررسی ابعاد به‌وجودآورنده این معضل، با مقایسه الگوها با یکدیگر، نقاط ضعف نیز تبیین شده تا در انتها بتوان به رویکردی جامع در خصوص فهم نزدیک‌بینی سیاستی دست پیدا کرد. بدیهی است خطمشی‌گذاری در هر حوزه‌ای از محتوا و زیست‌بوم آن حوزه تأثیر خواهد پذیرفت، بنابراین نمی‌توان فارغ از مسائل محوری خطمشی‌گذاری در این خصوص صحبت کرد. از این‌رو در این مقاله، صنعت خودرو به‌عنوان یکی از حوزه‌های خطمشی‌گذاری کشور که به آفت نزدیک‌بینی دچار گشته، محور بحث و بررسی قرار گرفته است و سعی شده در انتها راهکارهایی برای رهایی این صنعت از افق کوتاه‌مدت در حوزه خطمشی‌گذاری و برنامه‌ریزی ارائه شود.

۲- بیان مسئله

خودروسازی ایران دومین شاخه مهم اقتصاد ملی بعد از صنعت نفت و گاز به حساب می‌آید. صنعت خودرو سهمی ۲۲ درصدی در صنعت کشور دارا است و بر اساس مطالعات انجام‌شده حدود ۷۰۰ هزار نفر در این صنعت مشغول به کار هستند. صنعت خودرو علی‌رغم پیشینه نسبتاً طولانی در ایران و درگذشته نه‌چندان دور، بیشتر به‌صورت یک صنعت مونتاژ مطرح بوده و به دلیل وجود موانع در گسترش ساخت قطعات و اجزاء آن، موفقیت‌چندانی نداشت. به نظر می‌رسد خطمشی‌گذاری در عرصه خودرو با چالش‌های فراوانی مواجه است. رفتار دولت‌ها در قبال این صنعت نیز حکایت از این امر دارد. عدم پیروی از یک رویه ثابت در اتخاذ نظام تعرفه‌گذاری صنعت خودرو، رفت و برگشت میان تمرکز بر خودرو یا قطعه‌سازی و مواردی از این‌دست نشان می‌دهد که هنوز جهت‌گیری مشخصی نسبت به صنعت خودرو شکل نگرفته است [۱۴].

پس از سال ۱۳۹۰ با وضع تحریم‌های بین‌المللی در زمینه فروش قطعات و همکاری و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خودروساز بین‌المللی، تولید خودرو با افت شدید ۴۴ درصدی روبرو شد [۵]. تمام این موارد سبب شکل‌گیری چالش‌هایی در صنعت خودرو شده که کیان آن را مورد تهدید قرار می‌دهد. اهم این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱. مدیریت اشتباه تقاضا در بازار
۲. مشخص نبودن دولتی یا خصوصی بودن صنعت خودرو
۳. نیاز به گردش مالی و عدم دسترسی به اعتبارات مناسب
۴. عدم خودکفایی^۱
۵. هزینه‌های بالا جهت واردکردن مواد اولیه

۱- هنوز توافقی بر سر ملی بودن خودرو یا نشان تجاری ملی صورت نگرفته است.

۶. بدهی‌های گسترده خودروسازان به شرکت‌های قطعه‌ساز

۷. ناراضی‌تی مردم از کیفیت خودروها

ریشه‌یابی این وضعیت ما را به مفهومی به نام "قابلیت" رهنمون می‌سازد؛ قابلیت‌هایی همانند کیفیت برتر و اعتماد و اطمینان به صنعت خودرو. کیفیت و قابلیت اطمینان در صنعت خودرو باید در کمیت بالا و قیمت‌های قابل رقابت حاصل شود. به این ترتیب، این موضوع، علاوه بر جنبه فنی به موقعیت نهادی مناسب در بازار، وابسته است. یعنی خودروسازها در دوران بلوغ عمر خود، با انباشت سرمایه مالی - تکنیکی و نشان تجاری، می‌توانند محصول جدید به بازار ارائه دهند [۱۶]. تنها در این نگاه می‌توان به راز موفقیت‌های خودروسازهای برتر دنیا پی برد و در مقابل، آسیب‌های صنعت خودروی کشور را مورد ارزیابی قرار داد. پرهیز از قابلیت‌سازی و اتکا به فرصت‌های حاصل شده از اقتصاد رانتیر سبب شده صنعت خودرو در کشور همواره طفیلی و وابسته بماند.

به نظر می‌رسد بسیاری از این رفتارها را می‌توان ذیل عنوان نزدیک‌بینی سیاستی^۱ دسته‌بندی کرد. برای ریشه‌یابی این نگاه، مفهوم نزدیک‌بینی سیاستی به‌عنوان پدیده محوری باید مورد تحقیق و تبیین قرار گیرد. در نوشتار حاضر نزدیک‌بینی سیاستی در سه محور، بررسی و تحلیل می‌شود. محور اول به مبانی آن یعنی رویکردهای پنج‌گانه تبیین نزدیک‌بینی سیاستی پرداخته، محور دوم به تعاریف موجود نزدیک‌بینی سیاستی به‌صورت شبکه مفاهیمی نظر داشته و نهایتاً محور سوم به مقایسه رویکردها و شناخت منطق و معیار گونه‌شناسی آن‌ها اشاره نموده است. بدین منظور سؤالات این پژوهش شامل موارد زیر است:

- نزدیک‌بینی در هر یک از رویکردهای مطرح شده چگونه است و از چه عقلانیتی پیروی می‌کند؟
- شبکه معنایی نزدیک‌بینی در رویکردها از چه الگویی پیروی می‌کند؟
- تحلیل و مقایسه رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی چیست؟

۳- مرور ادبیات نزدیک‌بینی

مفهوم نزدیک‌بینی، نخستین بار در علم چشم‌پزشکی مطرح شد. در چشم‌پزشکی، نزدیک‌بینی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن، چشم بیمار، نوشته‌ها و علامت‌ها را در فاصله نزدیک تشخیص می‌دهد ولی در فاصله دور (نسبت به افراد سالم) نمی‌تواند تشخیص دهد [۲]. ارسطو نخستین کسی است که در خصوص مفهوم نزدیک‌بینی اشاره دارد؛ جایی که افراد با چشمانی نیمه‌باز و یا بسته می‌نگرند [۲۱].

نزدیک‌بینی به‌عنوان یک مفهوم مدیریتی به‌نوعی آسیب و بیماری اشاره دارد که فرد تصمیم‌گیرنده - از یک مصرف‌کننده گرفته تا یک خط‌مشی‌گذار - از درک آینده به شکل صحیح آن ناتوان است. حامیان رشد اقتصادی، تحقیقات علمی، حافظان منابع طبیعی و فعالان محیط‌زیست و رشد جمعیت صفر همگی مفهوم نزدیک‌بینی را به کار می‌برند [۲۱].

^۱ - policy myopia

بررسی یافته‌های موجود در خصوص نزدیک‌بینی، دو مسیر عمده را در این تحقیقات نشان می‌دهد. دسته اول تحقیقاتی است که از سال ۱۹۶۰ آغاز شده‌اند و بیشتر بر مفاهیم سازمان و مدیریت آن تمرکز کرده‌اند. دسته دوم تحقیقات موجود را می‌توان از جنس اقتصاد و مسائل مرتبط با آن از قبیل امنیت اجتماعی دانست. در ادامه، اهم تحقیقات هر یک از این دو گروه مورد اشاره قرار گرفته‌اند. اولین بخش از تحقیقات در زمینه سازمان و مدیریت ارائه شده است. پس از ارائه اولین مقاله در خصوص نزدیک‌بینی از سوی تئودور لویت، مقاله‌های متعددی به بررسی انواع نزدیک‌بینی پرداختند [۲۶] (جدول شماره ۱). مفهوم نزدیک‌بینی در سازمان از سال ۱۹۶۰ با مقاله تئودور لویت به کار گرفته شد و معنی‌اش این است که مثلاً وقتی دو واژه خواسته و نیاز از نظر مفهوم با یکدیگر اشتباه شوند، بیماری نزدیک‌بینی ایجاد می‌گردد [۲۵]. همان‌طور که در ادامه اشاره شده است، در این تحقیقات، سازمان به‌عنوان مفهوم محوری قرار داشته و نزدیک‌بینی از جمله آسیب‌هایی دانسته شده که عملکرد آن را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

جدول شماره ۱- تحقیقات نزدیک‌بینی در حوزه سازمان

ردیف	عناوین مقالات	نویسندگان
۱	نزدیک‌بینی پژوهشی ^۱	Andrus and Reinmuth ۱۹۷۹
۲	نزدیک‌بینی تمرکز بر محصولات فعلی ^۲	Friedman ۱۹۸۰
۳	نزدیک‌بینی طرح‌ریزی ^۳	Canton ۱۹۸۷
۴	نزدیک‌بینی تحقیقات بازار ^۴	Crosier ۱۹۷۹
۵	نگاه محدود در توسعه محصول ^۵	Schmidt ۱۹۹۵, Clancy and Shulman ۱۹۹۳
۶	نزدیک‌بینی عملکرد ^۶	Inkpen ۱۹۹۶

گروه دوم مطالعات، در ذیل نگاه اقتصادی صورت گرفته است که می‌توان از مقوله امنیت اجتماعی^۷ به‌عنوان به‌عنوان پرننگ‌ترین بخش آن یاد کرد. برای تأمین امنیت اجتماعی دو گروه تئوری وجود دارد:

- تئوری‌های کارایی
- تئوری‌های سیاسی

^۱ - research myopia
^۲ - product-present focus myopia
^۳ - planning myopia
^۴ - market research myopia
^۵ - limited views on product development
^۶ - performance myopia
^۷ - social security

تئوری‌های کارایی بر عدم کارایی بازار تأکید و بیان می‌کند که دولت باید بر برنامه‌های تأمین امنیت اجتماعی نظارت کند؛ این رویکرد به نام رویکرد هنجاری نیز شناخته می‌شود. تئوری‌های سیاسی بیان می‌کنند که امنیت اجتماعی محصول و برآیند کشمکش و جنجال دو یا چند گروه سیاسی است [۳۳].

جدول شماره ۲- تحقیقات نزدیک‌بینی در حوزه اقتصاد

پژوهش	رویکرد	نتایج
Strotz (۱۹۵۶)	نظری	ناهمخوانی زمانی ^۱ به‌عنوان یک عامل کاهش افق مشاهده شد.
Kotlikoff (۱۹۸۷)	نظری	بخش عمده‌ای از بی‌خانمان‌ها به‌واسطه بی‌کفایتی دولت ایجاد شده است.
Frederick et al. (۲۰۰۰)	شواهد تجربی ^۲	برخی از افراد پیامدهای مصرف را با نوعی تخفیف محاسبه می‌کنند.
Ameriks, Caplin, and Leahy (۲۰۰۳)	تجربی ^۳	۲۷ درصد از افراد نمونه، فاقد برنامه مدون مالی بودند و بیش از ۳۰ درصد از آن‌ها زمان فراوانی را برای تنظیم برنامه مالی خود صرف نکرده‌اند.
Choi et al. (۲۰۰۶)	پیمایش	۶۸ درصد از نمونه ده‌هزار نفری کارکنان پس‌انداز بازنشستگی خود را خیلی کم می‌دانند.

به‌وضوح قابل مشاهده است که در اکثر مواقع این تحقیقات به بررسی تبعات نزدیک‌بینی، چه در سازمان و چه در موضوعات اقتصادی پرداخته‌اند و کمتر تحقیقی وجود دارد که به بررسی علل شکل‌دهنده نزدیک‌بینی سیاستی اشاره کرده باشد.

۴- رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی سیاستی

مرور پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهد که تحقیقات بسیار کمی در خصوص ماهیت و چسبندگی نزدیک‌بینی خطامشی‌گذارانه صورت گرفته است. نکته قابل توجه این است که بسیاری از کسانی که دست به تحلیل فرآیندهای تصمیم‌سازی و خطامشی‌گذاری زده‌اند، معتقدند که این جریان ضرورتاً در یک بستر عقلایی و منظم حرکت نمی‌کند. در نتیجه آن‌هایی که سعی دارند آن را در قالبی منطقی دنبال کنند با پیش‌فرض خطایی وارد این قلمرو می‌شوند؛ چراکه در بسیاری از اوقات، هنگامی که خطامشی‌گذاران به نظر خود دست به یک ابتکار زده و راه‌حلی را برای معضلی ارائه می‌دهند، به دلیل سطحی‌نگری، در واقع مسئله را از یک جا یا از یک گروه برداشته و به جا و گروه دیگر منتقل می‌کنند [۱۲].

۴-۱- نزدیک‌بینی سازمانی

بررسی مفهوم نزدیک‌بینی در سازمان به دو طریق در تبیین نزدیک‌بینی سیاستی تأثیرگذار است:

^۱ - Time inconsistency
^۲ - Experimental Evidence
^۳ - Empirical

۱. **عوامل مشترک:** شکل‌گیری نزدیک‌بینی به‌واسطه وجود برخی از عوامل است که می‌تواند در حوزه خطامشی‌گذاری نیز رخ دهد و همین مسئله کمک خواهد کرد که عوامل مشترک شکل‌دهنده نزدیک‌بینی مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد.

۲. **شکل‌گیری سیاست:** چرخه خطامشی‌گذاری متشکل از سازمان‌های متعددی است که نزدیک‌بینی می‌تواند در هر یک از آن‌ها به وجود آید و در نتیجه بر بروز نزدیک‌بینی سیاستی تأثیری مستقیم دارند. نزدیک‌بینی می‌تواند در شکل‌های گوناگونی در سازمان بروز پیدا کند؛ نظیر کاهش سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری پایین برای تولید محصولات جدید، نزدیک‌بینی در بازاریابی [۲۶]، نزدیک‌بینی پژوهشی (Andrus and Reinmuth ۱۹۷۹) و نزدیک‌بینی تمرکز بر محصولات فعلی (Friedman ۱۹۸۰) [۱۲]. نوع دیگری از نزدیک‌بینی سازمانی، نزدیک‌بینی روانشناختی است. این نوع نزدیک‌بینی وقتی حاصل می‌شود که یکی از وضعیت‌های زیر پدید آید:

الف- یکی از فعالیت‌های چهارگانه نادیده گرفته شود؛ و یا از آن پرهیز شود.

ب- ارتباط میان دو فعالیت مجاور برقرار نشود و شکست بخورد.

ج- حالت گردش و پویایی چرخه از میان برود [۳۰].



شکل شماره ۱

اختلال در کار این چرخه سبب توقف و کندی در یادگیری سازمانی خواهد شد و در نتیجه افراد سازمان به سمت نزدیک‌بینی و تطابق با رویه‌های موجود پیش خواهند رفت. پرهیز از نوآوری و یادگیری سبب بروز فرهنگ سازمانی یکسانی خواهد شد. اگر سازمان، اعضای خود را محدود به یک فرهنگ سازمانی بنماید، ممکن است تجربه‌ای از نزدیک‌بینی روانشناختی داشته باشد. در جدول شماره ۳ به تأثیرات نزدیک‌بینی روانشناختی در سازمان اشاره شده است [۳۰].

جدول شماره ۳- تأثیرات نزدیک‌بینی در سازمان

ویژگی سازمان	نزدیک‌بینی روانشناختی	نگاه یادگیرنده
رفتار سیستم ^۱	بسته و تحمیلی	باز
اهداف	ایجاد ثبات	ایجاد بی‌تعادلی به‌منظور یادگیری
رویکرد کنترلی	بازخورد، سایبرنتیک	فعال
فرهنگ	ایجاد یک فرهنگ سازمانی برای یادگیری	وجود فرهنگ متعدد برای یادگیری
پروژه‌های ناموفق	شکست کنترل	هنجاری پذیرفته‌شده به‌منظور ادامه یادگیری
مسائل پیش‌بینی‌نشده	پرهیز از غافلگیری به‌وسیله پیش‌بینی همه نیازها	فرصتی برای یادگیری
ارزش زمان	زمان ثروت است و اهداف کوتاه‌مدت امکان ارزیابی بهتری در کسب موفقیت نسبت به اهداف بلندمدت ایجاد می‌کنند	زمان یک واقعیت اجتماعی است

تأثیر نزدیک‌بینی در سازمان در سه حوزه تعریف کسب‌وکار (قلمرو فعالیت سازمان)، برنامه‌ریزی، منطق تصمیم‌گیری و عمل، بررسی شده است و نتایج نشان می‌دهد که سهم تأثیر نزدیک‌بینی در تعریف کسب‌وکار نسبت به دو حوزه دیگر بیشتر به نظر می‌رسد [۲۶]. طبق نظریه عقلانیت محدود سایمون، تصمیم‌گیرندگان نمی‌توانند به‌درستی منافع و مخاطرات گزینه‌های پیش‌روی خود را محاسبه کنند و همین مسئله سبب می‌شود فهم درستی از آینده نداشته باشند [۱]؛ در نتیجه در انتخاب قلمرو فعالیت دچار اشتباه شوند.

جدول شماره ۴- حوزه‌های تأثیر نزدیک‌بینی در سازمان

نزدیک‌بینی	پیامدها	اثرات جانبی
تعریف کسب‌وکار ^۲	• شکست در درک تغییرات بازار از مذاقتادن	تمرکز بیش‌ازحد بر بازار و مشتریان فعلی
افق برنامه‌ریزی ^۳	• تمرکز بر دوره‌های کوتاه‌مدت	اغراق در تأثیرگذاری سازمان بر محیط پیرامونش
عقلانیت ^۴	• ناتوانی در تشخیص اقدام بهینه و اشتباه در پیش‌بینی آینده	تاکید بر ارزیابی عملیاتی و کاستن اهمیت ارزیابی ثانویه

عوامل متعددی در بروز نزدیک‌بینی سازمانی نقش دارند. با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه از برخی عوامل می‌توان نام برد:

۱. یادگیری سازمانی
۲. روابط بین فردی
۳. محدودیت در تصمیم‌گیری

^۱ - System behavior

^۲ - Business Definition

^۳ - Planning Horizon

^۴ - Rationality

۴-۲- عوامل سیاسی

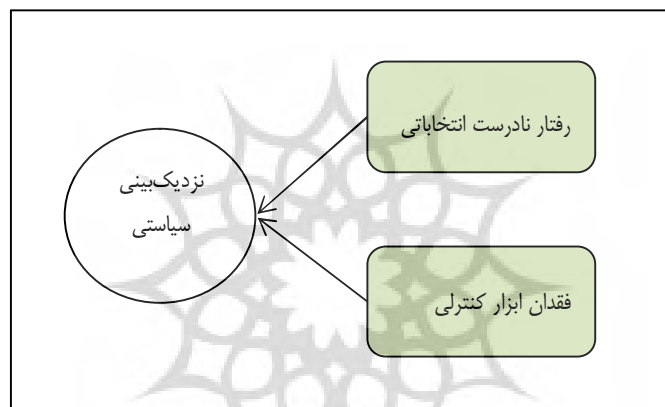
عامل دیگری که بر بروز و تشدید نزدیک‌بینی تأثیر دارد، مؤلفه‌های سیاسی است. خطمشی‌ها و خطمشی‌گذاران از دو دسته عوامل سیاسی تأثیر می‌پذیرند:

۱- رفتار سیاسی رأی‌دهندگان

۲- رفتار دولت‌ها

۴-۲-۱- رفتار سیاسی رأی‌دهندگان و تأثیر آن بر نزدیک‌بینی سیاستی

دو عامل رفتار اشتباه انتخاباتی و همچنین در اختیار نداشتن ابزارهای کنترلی از سوی رأی‌دهندگان سبب می‌شود زمینه شکل‌گیری نزدیک‌بینی سیاستی فراهم گردد [۳۲].



شکل شماره ۲

تحقیقات نشان می‌دهد که موارد زیر مانع شکل‌گیری انتخابی صحیح از سوی رأی‌دهندگان هستند:

- فقدان دانش سیاسی
- اطلاعات غلط

این دو عامل موجب شکل‌گیری یک رفتار (تصمیم) انتخاباتی غیرعقلانه می‌شود [۲۰]. واکاوی رابطه رأی‌دهندگان و سیاستمداران نشان می‌دهد که هر چه سیاستمداران در برابر افرادی که به آن‌ها در انتخابات رأی داده‌اند، پاسخگویی بیشتری داشته باشند، نقش رأی‌دهندگان در هدایت و جهت‌دهی به خطمشی‌ها و پرهیز از نزدیک‌بینی چشمگیرتر خواهد بود. نزدیک‌بینی سیاستی زمانی به وجود می‌آید که رأی‌دهندگان عقلانی، استانداردهایی را وضع کنند که اجازه دهد منتخبان آن‌ها این امکان را پیدا کنند که سید سرمایه‌گذاری‌های عمومی را به سمت دوره‌های کوتاه‌مدت منحرف کنند. رأی‌دهندگان نمی‌توانند به سرعت نتیجه سرمایه‌گذاری بر حوزه خاصی در بخش عمومی را تحلیل کنند و این مسئله تولید نزدیک‌بینی سیاستی می‌کند [۳۲]. در جوامعی که کنترل‌های انتخابی ناقص و ناکافی هستند و یا درآمدهای مالیاتی در توسعه

نقشی نداشته باشند، نزدیک‌بینی سیاستی شکل می‌گیرد [۳۲]. نظارت کارآمد رأی‌دهندگان، خود به عوامل متعددی بستگی دارد که شاید بتوان مهم‌ترین آن‌ها را شفافیت اطلاعات و نهادهای واسط دانست. به‌واسطه دارا بودن قدرت و منابع فراوان در اختیار دولت، تنها در صورتی رأی‌دهندگان می‌توانند دولت را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند که از قدرت بالایی برخوردار باشند. رأی‌دهندگان به‌منظور حفظ حق اعمال کنترل بر سیاستمداران، در انتخابات نیازمند همکاری با یکدیگر هستند و در غیاب این همکاری توان کنترلی خود را از دست خواهند داد [۳۲].

رفتار رأی‌دهندگان در یک منطق اقتصادی به سمت‌وسوی بلندنگری گرایش دارد اما تابع شرایط و عواملی است که در برخی موارد می‌توانند موجب تمایل رأی‌دهندگان به کوتاه‌نگری آن‌ها شود. در این وضعیت دولت‌ها نیز سیاست‌هایی را که وضع می‌کنند، دچار نزدیک‌بینی هستند؛ بنابراین رفتار رأی‌دهندگان بدون محدودیت‌های محیطی و با در اختیار داشتن ابزارهای ارزیابی و کنترل، مانع نزدیک‌بینی سیاسی دولت‌ها خواهد شد [۶].

۴-۲-۲- رفتار دولت‌ها

طبق نظر یکی از صاحب‌نظران، نزدیک‌بینی سیاستی به‌وسیله تعامل دو عامل سیاسی و اقتصادی یعنی فقدان صدای دموکراسی و فقدان شفافیت به وجود می‌آید [۲۱]. نزدیک‌بینی سیاستی در کشورهایی رخ می‌دهد که دو زمینه ذیل در آن‌ها وجود دارد:

- عدم بررسی فوری تمامی ابعاد عمومی یک سیاست و مسئله
 - عدم وابستگی درآمدی دولت به مردم
- چرایی و دلایل شکل‌گیری عوامل فوق در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۲-۱- عدم بررسی کامل مسائل

چرا یک مسئله به شکل کامل و همه‌جانبه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؟ پاسخ به این سؤال را باید در دو گروه از عوامل جستجو کرد:

۱. عقلانیت محدود
 ۲. عدم انگیزه خط‌مشی‌گذاران به بررسی کامل ابعاد مسئله
- عدم دسترسی به اطلاعات و همچنین محدودیت‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان، سبب می‌شود امکان بررسی ابعاد یک مسئله به شکل کامل آن میسر نباشد. فقدان اطلاعات کامل که بر مبنای آن بتوان تصمیم‌گیری کرد از چنان اهمیتی برای زندگی انسان برخوردار است که تقریباً می‌تواند ساختار هر نهاد اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. شرایط دانش ناقص بدین معنا است که احزاب (سیاستمداران) همیشه اطلاع دقیقی از خواسته‌های شهروندان ندارند؛ شهروندان همیشه نمی‌دانند که دولت یا احزاب مخالف چه کرده‌اند، چه می‌کنند یا آن‌که برای تأمین منافع آن‌ها چه باید بکنند، دستیابی به اطلاعات لازم برای فائق آمدن بر هر دو نوع ناآگاهی یاد شده، هزینه دارد و به عبارت دیگر منابع کمیاب باید مصروف کسب یا شبیه‌سازی اطلاعات شود [۴]. در ادامه این عوامل در هشت دسته ارائه شده‌اند.

۱. **رأی دهندگان نزدیک‌بین:** مسائلی از قبیل بدهی‌های ملی و همچنین سرانه پرداختی هر فرد برای امنیت اجتماعی از مسائلی است که می‌تواند آینده نسل بعدی را تحت تأثیر قرار دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد کمتر به نسل‌های آینده توجه دارند [۳۲].

۲. **ثبات زمان:** پایدار نبودن برنامه‌ها یکی از مشکلاتی است که سبب بروز نزدیک‌بینی سیاستی می‌گردد؛ حتی در حالتی که دولت و بخش خصوصی هر دو سعی در توجه به افق‌های دور دارند. به‌طور مثال دولت تشویق به سرمایه‌گذاری می‌کند و ناگهان مالیات بر سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده را اعمال می‌نماید [۳۲].

۳. **چرخش دولت:** این موضوع که هزینه‌های ناشی از تصمیمات در زمان حال صورت گیرد اما نتایج آن‌ها در انتخابات بعدی محقق شود، نمی‌تواند مورد پذیرش سیاستمداران قرار گیرد. همین منطبق سبب می‌شود نهاد‌های سیاست‌گذار، تحت تأثیر سیاستمداران، به تصمیمات و سیاست‌هایی تمایل داشته باشند و یا مجبور باشند که هزینه‌های آن‌ها در آینده محقق شود؛ مانند هزینه‌های کسری بودجه. از سویی دولت‌هایی که می‌دانند در انتخابات آتی شکست خواهند خورد، ممکن است میراثی از بدهی‌ها را برای دولت آینده باقی بگذارند تا دست حریف خود را برای انجام اقدامات مهم ببندند [۱]. احتمال عدم انتخاب دولت‌ها در انتخابات آتی یکی از علل گرایش آن‌ها به وام‌های بلندمدت است [۲۹].

۴. **پیروزی در انتخابات:** بررسی مطالعات صورت گرفته به‌خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت تا حد زیادی متأثر از علاقه و تمایل آن برای انتخاب مجدد است. نزدیک‌بینی سیاستی زمانی شکل می‌گیرد که متصدیان قصد دارند وضعیت موجود را به هزینه آینده بهبود بخشند و احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهند [۱۸]. حتی اگر سیاستمداران دارای اهداف بلندمدت و سیاست‌های مفید باشند، انتخاب شدن مجدد هدفی نزدیک‌تر است و سبب می‌شود تا در جستجوی رأی باشند [۲۰].

۵. **پافشاری بر سیاست‌ها:** ایجاد چسبندگی و هزینه‌زا بودن تغییر شرایط موجود توسط دیوان‌سالاری و گروه‌های ذی‌نفع سبب خواهد شد امکان و انگیزه توجه به افق‌های بلندمدت به‌شدت کاهش پیدا کند. در برخی موارد منبع شکست سیاست‌ها، اصرار بر آن‌ها می‌باشد. سیاست‌ها در اغلب موارد به‌وسیله بوروکراسی مورد تأکید و اصرار قرار می‌گیرند. بوروکراسی‌ها از آنجا که تحت تأثیر منافع گروه‌های مختلف قرار دارند، به جای توجه به آینده به وضعیت فعلی معطوف هستند [۳۲].

۶. **فقدان نظام ارزیابی‌کننده آینده‌نگر:** یکی دیگر از دلایل نزدیک‌بینی سیاستی مربوط به انگیزه سیاستمداران است؛ زیرا آن‌ها می‌بایست هزینه‌هایی را در کوتاه‌مدت انجام دهند ولی منافع آن در بلندمدت ایجاد می‌شود، درحالی‌که ممکن است خود آنها در بلندمدت نباشند؛ به همین دلیل آن‌ها به سمت برنامه‌های زودبازده سوق پیدا می‌کنند [۳۲].

۷. **نظام انتخاباتی:** برخی نظام‌های انتخاباتی منافع سیاستمداران را در افق بلندمدت و برخی دیگر منافع آن‌ها را در افق کوتاه‌مدت تعیین می‌کنند. نظام انتخاباتی، واسط میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان است. از این‌رو منفعت سیاستمداران منتخب در چارچوب امکانات و محدودیت‌های نظام انتخاباتی شکل

می‌گیرد. نظام انتخاباتی به‌مثابه یک میانجی، ترجیحات متنوع شهروندان را به مناصب سیاسی تبدیل می‌کند [۴].

۸. خطا در مسئله‌یابی: در بسیاری از مواقع، دولت‌ها به‌جای تمرکز بر مسائل راهبردی و دارای آثار و پیامدهای بلندمدت، به‌اشتباه و یا به‌ناچار بر روی مسائلی تمرکز می‌کنند که موجب از دست رفتن زمان و هزینه می‌شود. بسلی و بورگس (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که سیاستمداران در هند در خصوص حوادث طبیعی که توسط رسانه‌ها با اغراق و با گستره زیاد مورد پوشش قرار داده می‌شوند، به طرز مبالغه‌آمیزی واکنش نشان می‌دهند [۲۰].

رأی‌دهندگان نیز در برخی موارد، از جمله ابهام در امکان بهره‌برداری از منافع برنامه‌ها در آینده، نزدیک‌بین خواهند شد. در این وضعیت، دولت‌ها به‌عنوان راهبران جامعه عهده‌دار مسئولیت ویژه‌ای هستند. دولت می‌تواند رفتار نزدیک‌بین مردم را کاهش دهد [۲۸]. نوع مواجهه دولت‌ها با این گروه از رأی‌دهندگان سبب شده انواع مختلفی از دولت‌ها شکل بگیرد. در ادامه برخی از تحقیقاتی که به بررسی ماهیت دولت در مواجهه با پدیده نزدیک‌بینی پرداخته‌اند، ارائه شده‌اند [۳۳].

جدول شماره ۵- نوع شناسی دولت‌ها از منظر نگاه به آینده

پژوهش	رویکرد	نهاد سیاسی	نتایج
Feldstein (۱۹۸۵)	هنجاری	دولت خیرخواه	سخت‌و گشاده‌دستی سیستم مستمری‌بگیری به شکل واضحی از متناسب‌سازی رفتارهای نزدیک‌بین افزایش پیدا می‌کند
Tenhunen and Tuomala (۲۰۰۷)	هنجاری	دولت مادرانه ^۱	دولت مادرانه برای افرادی که نزدیک‌بین هستند، پس‌انداز زیادی برای آینده ایجاد می‌کند
Cremer et al. (۲۰۰۷)	سیاسی	اکثریت آراء	گشاده‌دستی سیستم مستمری‌بگیری با حضور عاملین نزدیک‌بین افزایش پیدا نخواهد کرد.
Cremer et al. (۲۰۰۸a)	هنجاری	دولت خیرخواه	ضرورتی ندارد که گشاده‌دستی سیستم‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی به‌واسطه نزدیکی بین عامل اجرایی آن‌ها افزایش پیدا کند.

چگونه یک دولت نیک‌اندیش می‌بایست میان هزینه‌ها و منافع مخارج دولت توازن برقرار کند؟ در حقیقت باید گفت چگونه منافع آینده در بازی دولت‌های متوالی حفظ خواهد شد [۲۴]؟ در مواقعی که جامعه به سمت نزدیک‌بینی سوق پیدا می‌کند، بهره‌گیری از نظریات اکثریت سبب می‌شود منافع آینده به نفع دستاوردهای آنی از میان برود و در نتیجه امنیت اجتماعی متزلزل گردد. رفاه در دوران پس از پس‌انداز اندک، متأثر از نزدیک‌بینی، کاهش پیدا می‌کند. نزدیک‌بینی سبب کاهش پایدار رفاه در جامعه در مقایسه با برنامه‌های

^۱ - paternalistic government

آینده‌نگر می‌شود [۲۸]. همان‌طور که در جدول شماره ۶ نشان داده شده است، استفاده از رویکرد اکثریت در تدوین برنامه‌های توسعه سرمایه انسانی از قبیل برنامه‌های بازنشستگی، سبب خواهد شد نزدیک‌بینی در جامعه افزایش پیدا کند. عدم توجه به این امر از سوی دولت‌ها عواقب جدی برای آن‌ها در پی دارد؛ به‌طوری‌که تحقیقات نشان می‌دهد، نزدیک‌بینی نسبت به سالخوردگی نیروی کار، تأثیر بیشتری در کاهش رشد اقتصادی و رفاه جامعه خواهد داشت [۲۸].

۴-۲-۳- ماهیت درآمد دولت

یکی از مهم‌ترین مواردی که دولت‌ها را به پاسخگویی در برابر مردم وادار می‌کند، وابستگی درآمد آن‌ها به رأی‌دهندگان است. هرچه دولت در پاسخگویی به مخارج خود بیشتر نیازمند توضیح به مردم باشد، نزدیک‌بینی سیاستی کمتر رخ خواهد داد [۳۲]؛ اما در برخی از کشورها دولت‌ها به‌واسطه دسترسی به برخی منابع طبیعی از قبیل نفت و ذخایر معدنی، دارای نوعی استقلال مالی هستند. این استقلال مالی سبب شکل‌گیری نوع خاصی از دولت به‌عنوان دولت رانتیر می‌شود. از نظر بیلووی یک اقتصاد رانتی، اقتصادی است که در آن تولید ثروت توسط بخش کوچکی از جامعه صورت می‌گیرد و مابقی جامعه، تنها در توزیع و مصرف این ثروت نقش دارند. وی بر همین پایه، آستانه ۴۲ درصدی را برای دولت‌های رانتیر در نظر گرفته است، یعنی هر دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد دولت رانتیر خوانده می‌شود [۱۵].

پیوند اقتصاد و سیاست در این کشورها بسیار غیرشفاف و رمزآلود بوده و امکان نظارت نهادهای واسطه مدنی و نظارتی و یا نهادها یا دستگاه‌های حکومتی در پایین‌ترین حد خود است [۸]. این مسئله در کنار تمایل ذاتی دولت‌ها به نزدیک‌بینی که در بخش قبل مورد بررسی قرار گرفت، سبب پیدایش شرایطی خواهد شد که خروج از آسیب نزدیک‌بینی و رسیدن به یک دیدگاه متعادل در برنامه‌ریزی را با چالش مواجه می‌کند. در کشورهای نفت‌خیز، درآمدهای نفتی را دولت دریافت و خرج می‌کند. همین امر استقلال فنی - اقتصادی بخش نفت را به استقلال اجتماعی - اقتصادی دولت با پیامدهای مهم زیر تبدیل می‌کند. نخست درآمدهای عمومی (دولتی) درصد بسیار بالایی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد. دوم این درآمدها نه ناشی از دریافت‌های مالیاتی معمولی از بخش‌های داخلی است و نه مانند کشورهای سوسیالیستی حاصل درآمد بنگاه‌های اقتصادی عمومی [۱۱]. در کشورهای نفت‌خیز، انتظار بیشتر مردم از دولت، بسیار بالا است. دولت در واقع در این جوامع نقش پدر نان‌آور خانه را دارد. توزیع عواید حاصل از فروش نفت در میان توده‌ها باعث پدید آمدن یک جامعه تنبل و غیر مولد می‌شود. در واقع در این کشورها فعالیت‌های مولد اقتصادی در حداقل ممکن صورت می‌گیرد [۲۸]. در این جوامع، عوامل هرچه بیشتر خودشان را در وضعیت‌هایی بیابند که آن‌ها را تشویق به برگزیدن دیدگاه کوتاه‌مدت کنند، نتایج بازاری که در آن سهام هستند، بی‌ثبات‌تر خواهد بود [۹]. پیامدهای سلطه دیدگاه کوتاه‌مدت یا درازمدت در تصمیم‌گیری، نقشی مهم در اقتصاد سیاسی بازی می‌کند. این پیامدها برای ثبات فرآیند بازسازی، کم‌اهمیت نیست. در اقتصاد، درازمدت به دوره برنامه‌ریزی مناسب با سرمایه‌گذاری در تجهیزات سرمایه‌ای اطلاق می‌شود. این تجهیزات، جریانی از محصولات را در طول یک

سلسله طولانی از چرخه‌های تولیدی ایجاد می‌کنند و به‌آسانی قابل فروختن نیستند؛ بنابراین تعهدی درازمدت از سوی خریداران یا صاحبان تجهیزات ایجاد می‌کنند [۹]. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که زندگی در نظام دموکراتیک (میزان مشارکت مردم و پاسخگو بودن دولت)، کم‌تر با عدم اطمینان و احتمالات پیش‌بینی‌ناپذیر، مواجه است. همچنین بیان می‌دارد که نرخ رشد بلندمدت اقتصادی در هر سطحی در نظام دموکراتیک در مقایسه با سایر نظام‌ها، نوسانات و بی‌ثباتی‌های کمتری داد. روی‌هم‌رفته این نتایج، پیام روشنی را به همراه دارد: نظام‌های سیاسی مشارکتی امکان دستیابی به رشد اقتصادی باکیفیت بالا را فراهم می‌آورند؛ زیرا نهادهای برتری را خلق می‌کنند که مناسب شرایط جامعه‌اند [۸].

۴-۳- ساختار اجتماعی

آیا می‌توان گفت که خطامشی‌گذاران تحت جبر محیط قرار دارند و هیچ‌گونه اراده و اختیاری از خود در تغییر شرایط موجود ندارند؟ در واقع این‌گونه نیست و رابطه ساختار و کارگزار، ساده و خطی نیست. ساختارها تنها قادرند محدوده عمل کنشگر را تعیین کنند. ساختارها دامنه بالقوه انتخاب‌ها و راهبردها را مشخص می‌کنند. هر جامعه با توجه به لایه‌های ساختاری بنیادی که دارد راهبردهای مختلفی در اختیار کنشگر قرار می‌دهد؛ این کنشگر خود را در زمینه ساختارمندی می‌یابد و تمام فعالیت‌های او در محیط که از پیش توسط ساختارها محاط شده است، انجام می‌شود. هر کنشگری، آگاهی اجمالی از این ساختارها دارد و همین معرفت کلی، او را در اتخاذ راهبردهای مناسب یاری می‌دهد. نحوه تأثیرگذاری کنشگران بر ساختارها نیز به‌گونه‌ای خاص است؛ به این صورت که هر کنشی در داخل سلسله‌مراتب ساختاری اتفاق می‌افتد و می‌تواند مستقیماً تغییرات جزئی در آن‌ها ایجاد کند؛ این بدین معنا نیست که کارگزاران اراده‌ای کاملاً آزاد دارند، بلکه انتخاب آن‌ها در حیطه آزادی‌های داده‌شده در ساختاری معین است که خود توسط عوامل دیگر محاط شده است [۴].

یکی از نهادهای اساسی جوامع بشری، نهاد اقتصاد است. بر اساس نظر کاتوزیان اگر مالکیت خصوصی (به‌عنوان یکی از ارکان نهاد اقتصاد) به‌مثابه حق وجود نداشته باشد، آنگاه طبقات اجتماعی مستقل وجود نخواهد داشت. اگر طبقات اجتماعی مستقل نباشند، این وضعیت موجب بروز تغییرات اجتماعی کوتاه‌مدت و ناپایدار خواهد بود. از آنجاکه توسعه نیازمند انباشت سرمایه و امری درازمدت است، تغییرات کوتاه‌مدت مخل توسعه است. هرگاه جامعه‌ای زمینه‌ساز تغییرات کوتاه‌مدت باشد، آنگاه توسعه با مانع مواجه می‌شود [۱۱]. وجود تغییرات متعدد و پی‌درپی، موجب عدم شکل‌گیری یک مسیر مورد توافق در خصوص چگونگی توسعه و پیشرفت جامعه است و این مسئله در خطامشی‌های تدوین‌شده توسط هیئت حاکمه نیز بروز و ظهور خواهد یافت. شکل‌گیری این احساس که نمی‌توان در آینده امیدوار به بهره‌برداری از منافع احتمالی اقدامات بود، سبب خواهد شد برنامه‌های کوتاه‌مدت رواج یابد تا با محقق کردن فواید کوتاه‌مدت، حداکثر استفاده در چنین شرایطی صورت گیرد. عدم شکل‌گیری نهادهای بلندمدت در اقتصاد، امکان مدیریت سرمایه در بلندمدت را فراهم نخواهد کرد و همین مسئله سبب می‌شود کشورها در افق پیشروی خود از قابلیت‌های مناسبی برخوردار نباشند و در نتیجه همواره در مواجهه با شرایط پیش رو، موضع انفعالی و پسینی داشته باشند.

اگر نهادهای اساسی یک جامعه در ذات خود مبتنی بر نیازهای آینده، شکل گرفته باشند، آن وقت شاهد جامعه‌ای بلندمدت خواهیم بود. کاتوزیان بیان می‌دارد که جوامع اروپایی، جوامع بلندمدت بودند. وقوع دگرگونی‌های بزرگ، خواه زوال فئودالیسم، پیدایش سرمایه‌داری و ظهور دولت لیبرال و خواه مردود شمردن فیزیک ارسطویی و هیئت بطلمیوس، اندیشه سیاسی یونانی- رومی، یا استیلای کلیسای کاتولیک، همگی نیازمند گذشت مدت‌زمانی طولانی و انجام تلاشی قابل‌ملاحظه - و معمولاً مبارزه - بود. ولی وقتی سرانجام این دگرگونی‌ها عملی می‌شد، دیگر نمی‌شد اوضاع تغییر یافته را به وضع سابق بازگرداند و چارچوب اجتماعی تازه، قانونی تازه، حتی مذهبی تازه استقرار می‌یافت که از نو دگرگون ساختن و حتی اصلاح آن در گرو تلاش و سپری شدن مدت‌زمانی طولانی بود [۱۰].

جامعه بلندمدت دقیقاً از آن رو که قانون و سنت حاکم بر آن و نهادهای مرتبط با آن به خاطر پیش‌بینی‌پذیر ساختن نسبی آینده، میزان معینی از امنیت را تضمین می‌کند، امکان انباشت درازمدت را فراهم می‌سازد. در همین حال و به همان دلیل، انجام تغییرات بزرگ در آن، در کوتاه‌مدت بسیار دشوار است. در جامعه بلندمدت، انقلاب، رخدادی نادر و فوق‌العاده است ولی وقتی در جامعه یا در علم روی می‌دهد اثراتی بلندمدت و دیرپا به جا می‌گذارد. جوامع اروپایی از طبقات اجتماعی ماهوی و خودمختاری تشکیل شده بودند که دولت‌های اروپایی به آن‌ها تکیه داشتند. از دوران باستان - از زمان یونانی‌ها و رومی‌ها- دولت‌های اروپایی پای‌بند قانون یعنی پای‌بند سنت، رفتارنامه یا قراردادی بوده‌اند که نقض آن دشوار و تغییر آن مشکل بوده است. طبقات اجتماعی ماهوی و خودمختار، دولتی متکی به آن‌ها و قانون و سنتی ظاهراً غیرقابل‌نقض، خاستگاه‌های توسعه بلندمدت در اروپا را تشکیل می‌دادند.

توسعه تنها نیازمند فراگیری و نوآوری نیست بلکه به‌ویژه به انباشت و نگهداری ثروت، حقوق و امتیازات، یا دانش و علوم هم نیاز دارد. تورگو و آدام اسمیت بر این باورند که علت توسعه صنعتی، آن اندازه که به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و امکان‌پذیر ساختن کاربست آن برمی‌گردد به پیشرفت فنی بازمی‌گردد [۱۰]. از نظر کاتوزیان، ایران جامعه‌ای کوتاه‌مدت بود. حتی در حال حاضر هم چنین است. برای نمونه هر ساختمان محکم و بی‌عیب و نقصی را همین که سی یا حتی بیست سال از عمرش می‌گذرد را کلنگی می‌خوانند. از همین رو کاتوزیان نیز ایران را جامعه کلنگی خوانده است. ویژگی اصلی این جامعه دقیقاً نقطه مقابل ویژگی‌های جامعه بلندمدت اروپایی بوده است [۱۰]. کوتاه‌نگری و تمرکز نظام بودجه‌ریزی بر یک برنامه در یک سال و فعالیت‌های جاری، سبب بروز نزدیک‌بینی در بین سیاستمداران و تصمیم‌گیران می‌شود. برای رفع این مشکل نظام بودجه‌ریزی باید به سمت برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌تر حرکت کند [۲۷].

۴-۴- ساختارهای اقتصادی

عوامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل بروز پدیده نزدیک‌بینی سیاستی می‌باشند. در بررسی ادبیات اقتصادی مشخص می‌شود که بررسی شکل‌گیری عادت نزدیک‌بینی بر بررسی رفتار مصرف‌کننده متمرکز شده است [۳۰]. در ادبیات پژوهشگران اقتصاد، نزدیک‌بینی را این‌گونه تعریف می‌کنند که یک فرد از درک تأثیر مصرف امروز خود بر آینده‌اش اجتناب می‌کند [۳۰].

برخی از سیاست‌های اقتصادی و یا ساختارهای نهادی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند. نزدیک‌بینی سیاستی به برخی از این انحراف‌های خط‌مشی‌گذاران اشاره دارد [۳۰]. نزدیک‌بینی سیاستی منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خواهد شد و این مسئله، درهم‌ریختگی عمومی را در جامعه در پی خواهد داشت [۲۲]. البته باید به این مطلب توجه داشت که سیاست‌های اقتصادی نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن فرآیندهای سیاسی موردبررسی قرار گیرند [۳۲]. جاکوبز (۱۹۹۱) بیان می‌کند که شیوع رفتار نزدیک‌بین در بین شرکت‌های آمریکایی، موجب کاهش توان رقابت‌پذیری آن‌ها شده است [۳۱]. در ادامه، چگونگی تأثیر این پدیده در قالب چهار عامل هزینه‌های دولت، بازار سرمایه، مالیات و رفتار مصرف‌کننده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱-۴- هزینه‌های دولت

مخارج دولتی و جهت‌گیری دولت در تشکیل سبد سرمایه‌گذاری، می‌تواند نقش مؤثری در هدایت سایر بازیگران داشته باشد. نوع هزینه‌های دولت نیز متأثر از رویکرد آن در مواجهه با سرمایه‌گذاری بلندمدت یا کوتاه‌مدت است. خط‌مشی‌گذاران به‌واسطه قدرتی که در اختیار دارند می‌توانند منابع را به نفع خود منحرف کنند. امکان نظارت بر پروژه‌های بلندمدت به دلیل امکان دستبرد به آن‌ها و عدم کنترل مشکل است و به همین دلیل خط‌مشی‌گذاران تمایل دارند به پروژه‌های کوتاه‌مدت روی بیاورند [۲۲]. نزدیک‌بینی سیاستی الزاماً به دلیل اینکه رأی‌دهندگان امکان ارزیابی فوری اقدام خط‌مشی‌گذاران را ندارند به وجود نمی‌آید، بلکه ماحصل تعامل تأخیر در ارزیابی سیاست‌ها، عدم توازن رشد اقتصادی و الزامات سودآوری است و به همین دلیل رأی‌دهندگان مجبور به قبول انحراف و نزدیک‌بینی در هزینه‌های عمومی می‌شوند [۳۱]. از طرف دیگر، استقبال دولت و خط‌مشی‌گذار در استفاده از وام‌های بلندمدت، می‌تواند نشان‌دهنده حرکت برنامه‌های کلان اقتصادی جامعه در مسیر افق زمانی بلندمدت باشد. بدهی‌های بلندمدت می‌تواند به‌عنوان نوعی سیگنال به مفهوم تلاش برای کسب منافع بیشتر در آینده تلقی شود و اثر تصمیمات کوتاه‌مدت را خنثی کند [۱۹].

۴-۲-۴- نهادهای مالی

در دهه ۱۹۸۰ میلادی تغییر مهمی در ساختار بازار سرمایه در آمریکا و انگلیس رخ داد. در پی چنین تغییری، این نگرش که بدهی‌های بلندمدت موجب کسب سود در آینده خواهد شد، توسط ایده کسب رضایت سهامداران از طریق بالاترین قیمت ممکن در زمان کنونی جایگزین شد [۱۹]. این رویکرد سبب گردید بازار سرمایه، ارزش سهام در زمان کنونی را غیرواقعی نشان دهد؛ به‌طوری‌که در تحقیقی که به‌وسیله سامرز و پوتربا (۱۹۹۵) انجام شده است، حجم زیادی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که بازار سرمایه ارزش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را کمتر از حد واقعی آن تخمین می‌زند و در صورت اصلاح بازار، سهم پروژه‌های بلندمدت تا بیش از ۲۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد [۳۱]. این مسئله نشان می‌دهد که قواعد حاکم بر ساختار بازار سرمایه و به‌طور کلی نهادهای مالی، علی‌رغم میل مدیران و تنها به‌واسطه فشار قیمت سهام بر مدیران، می‌تواند موجب تصمیم‌گیری کوتاه‌مدت از سوی آن‌ها شود [۱۹].

تأکید بیش از حد بر قیمت سهام شرکتها در زمان حال سبب شده است معیار ارزیابی عملکرد شرکتها و در نتیجه تعیین میزان موفقیت آنها تغییر کند. قیمت کنونی سهام یک شرکت از کارآمدی بلندمدت آن با اهمیت تر به نظر می‌رسد. فشار قیمت سهام از یک سو و وجود قوانین محدودکننده مانند پایین بودن هزینه‌های ورشکستگی نسبت به هزینه وام‌های بلندمدت سبب می‌شود مدیران به رفتارهای کوتاهمدت بیشتر تمایل نشان دهند [۱۹].

۴-۳-۴ مالیات

نزدیک‌بینی سیاستی در اقتصادهایی که دارای فعالیتی کمتر از ظرفیت مالیاتی‌شان هستند، وجود ندارد. در این جوامع رأی‌دهندگان عقلانی می‌توانند از طریق کارآمدی ابزارهای انتخاباتی هرگونه انحراف کوتاهمدت در هزینه‌های عمومی را کنترل کنند [۱۰]. کشورهایی که به محدودیت‌های ظرفیت مالیاتی خود رسیده‌اند دیگر نمی‌توانند به رشد و فعالیت اقتصادی خود ادامه دهند؛ زیرا در این کشورها رأی‌دهندگان تعمداً از خطمشی‌گذاران خواهند خواست که نزدیک‌بین باشند؛ و نتیجه این امر نیز انحراف در سرمایه‌گذاری بلندمدت خواهد بود. هنگامی که نزدیک‌بینی شکل بگیرد، کارایی دچار محدودیت خواهد شد؛ بنابراین می‌توان گفت رشد دولت در نهایت منجر به نزدیک‌بینی مالیاتی خواهد شد، زیرا جامعه به محدودیت‌های ظرفیت مالیاتی خود خواهد رسید [۲۲].

رفتار مصرف‌کننده

شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد مردم در رفتارهای اقتصادی خود به صورت نزدیک‌بین عمل می‌کنند و به آینده توجه کمی دارند [۳۳]. بر اساس مدل چرخه زندگی ارائه شده توسط Ando and Modigliani (۱۹۶۳)، افراد سعی در دستیابی به ترکیبی از هزینه‌ها و پس‌انداز دارند تا حداکثر مطلوبیت برای آنها ایجاد شود. افراد به منظور تأمین هزینه‌هایی که برای آنها در آینده دارای مطلوبیت است، دست به این پس‌انداز می‌زنند. اما شواهد تجربی فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد مردم در هنگام بازنشستگی چندان هم به فکر آینده خود نبوده‌اند [۳۳].

اقتصاددانان رفتاری، اظهار می‌کنند که رفتار بازنشستگان واقعی به منظور ذخیره کردن برای آینده تحت تأثیر عوامل روانی و رفتاری قرار گرفته که مانع طراحی و اجرای مستمر و با ثبات برنامه‌های آنها شده است. ونتی بیان می‌کند که عدم ذخیره و پس‌انداز برای آینده متأثر از فقدان خودکنترلی و ضعف در اراده است [۳۳]. ملبائور به دو عادت و پیش‌فرض رفتاری در چرخه عمر رفتار مصرف‌کنندگان اشاره دارد: عقلانیت و نزدیک‌بینی. وی در این خصوص به بررسی میزان آگاهی مصرف‌کنندگان از وجود ارتباط وضعیت فعلی مصرف با ذائقه آینده می‌پردازد [۳۳].

شکل‌گیری عادت در یک فضای مملو از تقاضاهای کوتاهمدت سبب شکل‌گیری نزدیک‌بینی می‌گردد [۳۰]. تمرکز بر مصرف در زمان حال و حداکثر کردن مطلوبیت آنی، سبب می‌شود که علی‌رغم عقلانیت مورد انتظار در حداکثر کردن مطلوبیت آینده، به دلیل نزدیک‌بینی به صورت خودآگاه، از آن صرف‌نظر شود. انتخاب نزدیک‌بین سبب افزایش مصرف توسط افراد می‌شود و این امر می‌تواند به یک اعتیاد تبدیل شود [۳۰].

۴-۵- سیستم اجتماعی پویا

واقعیت اجتماعی ذاتاً به سمت پیچیدگی و عدم قطعیت می‌رود و به همین نسبت اهمیت لایه‌های پنهان و نیمه‌آشکار آن بیشتر می‌شود [۳]. چرخه خطامشی‌گذاری کشور به‌منابه یک سیستم پیچیده و چندلایه است که هرگونه نگاه خطی و ایستا به آن سبب خواهد شد عملکردش به‌شدت تنزل پیدا کند. غفلت از نگاه سیستمی و دارا بودن تفکر خطی بر بروز و تشدید بیماری نزدیک‌بینی تأثیرگذار است.

۴-۵-۱- شناسایی مسئله

مهم‌ترین مرحله در چرخه خطامشی‌گذاری، بیان مسئله است. مسئله واقعی (نه فقط نشانه‌های مشکل) چیست [۱]؟ تبارشناسی یک مسئله و بررسی چگونگی شکل‌گیری آن در طی زمان در فهم مسئله کمک فراوانی می‌کند. مسئله به‌صورت یک الگوی رفتاری در طول زمان آشکار می‌شود. این الگو نشان می‌دهد که مسئله چگونه به وجود آمده است و چگونه ممکن است در آینده ظاهر شود. باید یک الگوی مرجع را که یک سری نمودار و داده‌های توصیفی است و نشان‌دهنده رفتار مسئله طی زمان می‌باشد، تعیین کرد. الگوهای مرجع کمک می‌کنند تا خطامشی‌گذاران دیدگاه جهانی پدیده‌مداری کوتاه‌مدت حوادث را اصلاح نمایند. تغییر افق زمانی به‌طور کامل نحوه بررسی مسئله را تغییر می‌دهد [۱]. دارا بودن نگاه همبستگی میان پدیده‌های موجود و همچنین محصور کردن علل بروز یک پدیده به یک سیستم معین و کوچک، دو عامل شکل‌گیری نزدیک‌بینی در شناسایی مسئله می‌باشند. معلول به ندرت با علت متناسب است و آنچه به‌طور موضعی در یک نقطه از سیستم (نزدیک به نقطه عملیاتی جاری) اتفاق می‌افتد، اغلب در سایر نقاط سیستم کارساز و قابل اجرا نیست. غیرخطی بودن سیستم به دلیل تأثیر و تعامل چندین عامل در تصمیم‌گیری ناشی می‌شود. انسان‌ها دوست دارند به‌سرعت مشکلات پیش‌آمده را برطرف کنند و برای آن‌ها یک‌راه حل سریع پیدا کنند. در بررسی علت یک مسئله به اولین علتی که با آن برخورد شود، بسنده می‌شود و در نتیجه به سایر علت‌ها توجه نمی‌شود [۲۰]. تعیین مرز سیستم نیز در تبیین یک مسئله، تأثیر به‌سزایی دارد. مرزها سبب می‌شوند دقت در یک حوزه افزایش یابد اما همچنین موجب می‌شوند از تبیین ارتباط آن جزء با سایر اجزاء غفلت شود؛ بنابراین باید از بهینه‌سازی‌های محلی اجتناب کرد. باید گفت که پیچیدگی‌های بیشتر از مرزها نشأت می‌گیرند [۲۲]. درک سیاست‌گذار از ساختار علی سیستم، مرزی است که دور آن سیستم ترسیم کرده و افق زمانی است که به آن توجه دارد [۳۰].

۴-۵-۲- ناتوانی در شناخت آینده

یکی دیگر از اثرات عدم برخورداری از نگاه سیستمی و پویا، در شناخت آینده به منظور تحلیل گزینه‌های پیش‌رو به‌منظور مقابله با مسئله شناسایی شده و انتخاب راهکار سیاستی است. افق زمانی برای نشان دادن چگونگی ایجاد یک مسئله و توصیف نشانه‌های آن باید به‌اندازه کافی در طول زمان گذشته بسط داده شود. همچنین بایستی به میزان کافی در آینده بسط و گسترش یابد تا اثرات به تأخیر افتاده و غیرمستقیم، سیاست‌های بالقوه مشخص شود. اغلب مردم طول تأخیرهای زمانی را ناچیز شمرده و افق‌های زمانی را که خیلی کوتاه‌مدت هستند، انتخاب می‌کنند، اما در مورد سیستم‌های پیچیده پویا، علت و معلول در زمان و

فضای متفاوت و دور از هم هستند. بیشتر اثرهای ناخواسته تصمیم‌ها منجر به مقاومت در برابر سیاست‌ها می‌شوند که دربرگیرنده بازخوردهایی با تأخیرهای طولانی و دوری بیشتر از نقطه تصمیم و یا نشانه مسئله است [۳۰].

۵- روش پژوهش

به‌منظور بررسی و تحلیل کیفی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه نزدیک‌بینی و رسیدن به رویکرد جامع تبیین نزدیک‌بینی، از روش طبقه‌بندی استفاده شده است. طبقه‌بندی در ساده‌ترین بیان عبارت است از چینش موجودیت‌ها مبتنی بر شباهت‌های آن‌ها با یکدیگر. بیلی برای طبقه‌بندی، دو روش را ذکر می‌کند: گونه‌شناسی^۱ و رده‌بندی^۲؛ که به ویژگی‌های هر یک از آن‌ها در جدول زیر به‌اختصار اشاره شده است [۲۳].

جدول شماره ۶- مقایسه دو روش رده‌بندی و گونه‌شناسی ذیل طبقه‌بندی

روش	رده‌بندی	گونه‌شناسی
رویکرد	تجربی	مفهومی
کاربرد	علوم زیست‌شناختی	علوم اجتماعی
نتایج	سلسله مراتبی و تکاملی	گونه‌های منحصربه‌فرد
راهبرد	استقرایی	قیاسی

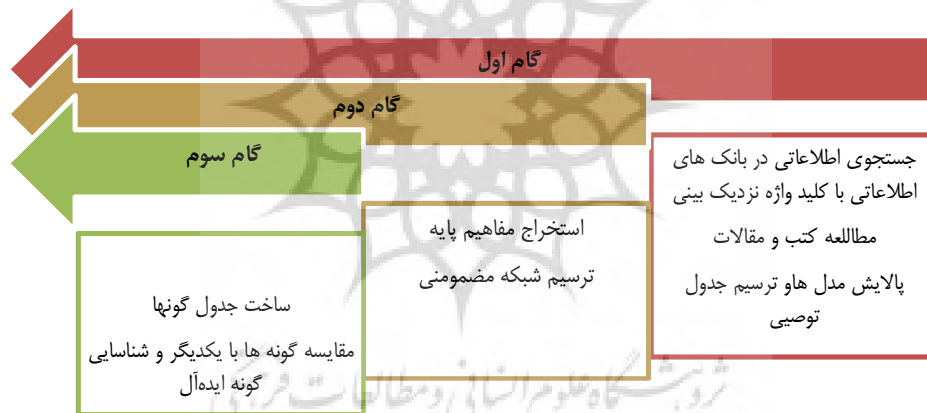
گونه‌شناسی، نظام پیچیده و مترقی ذخیره و بازیابی اطلاعات است که امکان نظم‌دهی، مقایسه و دسته‌بندی مصادیق مختلف پدیده مورد مطالعه را بدون از دست دادن غنای محتوایی و تنوع موجود در گونه‌ها فراهم می‌کند و یکی از محبوب‌ترین قالب‌های نظریه است [۲۳]. طبق شیوه ارائه شده توسط بیلی، بر اساس ویژگی‌های نمونه ایده‌آل می‌توان گونه‌شناسی کاملی ایجاد کرد. این فرآیند را که مبتنی بر بسط ابعاد نوع ایده‌آل است، تکثیر گویند. در این فرآیند با ضرب ابعاد و ویژگی‌های گونه ایده‌آل در یکدیگر و انتخاب ترکیب‌های مختلفی از آن‌ها، به گونه‌های دیگری دست می‌یابیم که گونه‌های میانی نام دارند. گونه‌های میانی هرچند مانند گونه ایده‌آل کامل نیست اما با عرضه همه حالت‌های ممکن پدیده، با رویکردی قیاسی، در شناخت و تبیین واقعیت آن راه‌گشا است [۱۷]. بر همین اساس، در تحلیل کیفی رویکردهای نزدیک‌بینی، مراحل زیر انجام شده است:

۱. گردآوری مدل‌ها و رویکردهای نزدیک‌بینی
۲. تحلیل محتوای مدل‌ها و رویکردها
۳. گونه‌شناسی
۴. مقایسه گونه‌ها با یکدیگر

^۱ - Typology
^۲ - Taxonomy

مدل‌های مختلفی که از مقالات و کتب گوناگون به دست آمد در نگاه نخست، فاقد انسجام بود. هر مدل از زاویه‌ای به نزدیک‌بینی می‌نگریست و نوعی پراکندگی و آشفتگی بر جمع مدل‌ها حاکم بود. بنابراین، ضروری می‌نمود که برای نیل به فهم بهتر مدیریت عملکرد، اجزای تشکیل‌دهنده آن و روابط آن‌ها با هم و نیز تفسیر تفاوت میان مدل‌های موجود، آن‌ها را دسته‌بندی و گونه‌شناسی‌ای از رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی عرضه کرد. چنین تلاشی در ادبیات نظری یافت نشد و می‌توان آن را سهم نظری این تحقیق به شمار آورد. این گونه‌شناسی در نقد و بررسی تک‌تک مدل‌ها، یافتن قوت‌ها، ضعف‌ها و خلأهای پژوهشی و نیز دستیابی به مدلی جامع، بسیار راه‌گشا و سودمند است.

در گام دوم از فرآیند تحقیق، تحلیل مدل‌ها در دستور کار قرار گرفت و بدین منظور از روش تحلیل مضمونی استفاده شد. این مرحله علاوه بر عرضه شبکه مضامین که تصویر کلان و نسبتاً جامعی از عناصر اصلی تبیین نزدیک‌بینی را در بردارد، مقدمه‌ای است برای گونه‌شناسی و طبقه‌بندی مدل‌ها. گام سوم، گونه‌شناسی است. پس از تحلیل مدل‌ها، مضامین محوری، مشخص و از آن‌ها به مثابه ساخت‌های نظری برای صورت‌بندی جدول گونه‌ها استفاده می‌شود.



شکل شماره ۳

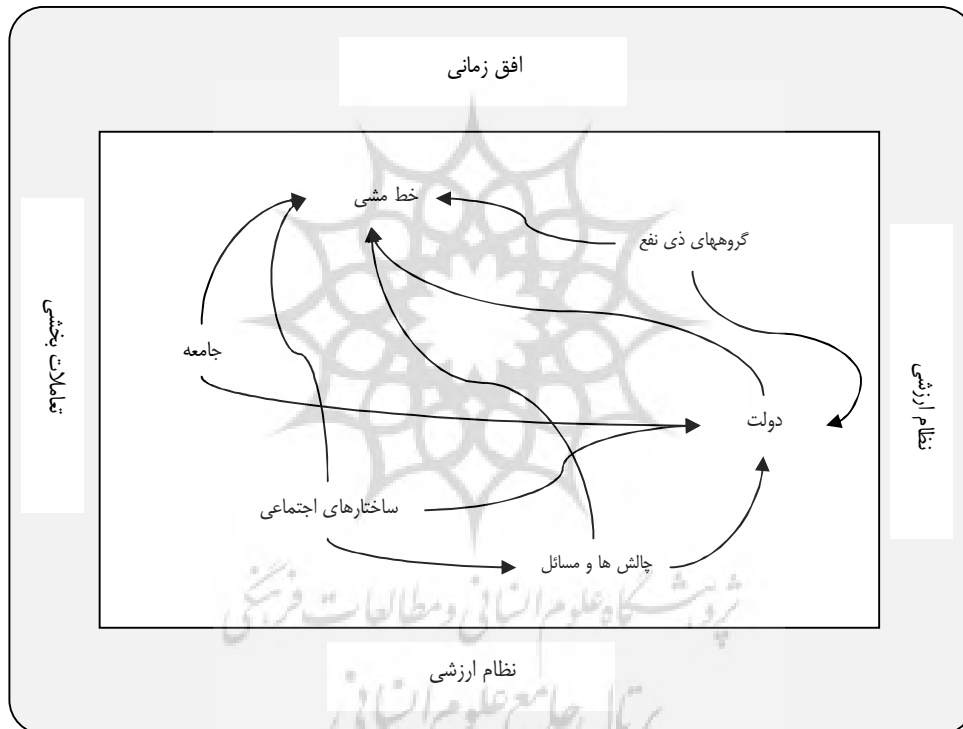
۱-۵- شبکه مفاهیم نزدیک‌بینی سیاستی

همان‌گونه که بیان شد، نزدیک‌بینی سیاستی از طریق رویکردهای متعددی قابل بررسی است که در ادامه در قالب شبکه مضامین به شرح ذیل ارائه شده است:

جدول شماره ۷

ردیف	رویکرد	مفاهیم	ابعاد
۱	مدیریتی	یادگیری سازمانی	<ul style="list-style-type: none"> عقلانیت ارزش زمان
۲		روابط بین فردی	<ul style="list-style-type: none"> رویکرد کنترلی فرهنگ
۳		محدودیت در تصمیم‌گیری	<ul style="list-style-type: none"> تعریف کسب‌وکار افق برنامه‌ریزی اهداف
۴	سیاسی	رفتار رأی‌دهنده	<ul style="list-style-type: none"> فقدان ابزار کنترلی رفتار نادرست انتخاباتی
۵		رفتار دولت	<ul style="list-style-type: none"> رأی‌دهندگان نزدیک‌بین خطا در مسئله‌یابی عدم ثبات زمان چرخش دولت تلاش برای پیروزی در انتخابات پافشاری بر سیاست‌ها فقدان نظام ارزیابی‌کننده آینده‌نگر نظام انتخاباتی
۶	ساختار اجتماعی	وابستگی مسیر	<ul style="list-style-type: none"> اتلاف منابع توزیع قدرت سیاسی عدم توجه به عدالت بین نسلی
۷		فهم متفاوت از دولت	<ul style="list-style-type: none"> تغییر رابطه دولت - ملت تغییر منابع مالی دولت
۸	اقتصادی	هزینه دولت	<ul style="list-style-type: none"> شکل‌گیری طبقات اجتماعی خاص تقویت استقلال سیاسی
۹		رفتار مصرف‌کننده	<ul style="list-style-type: none"> اعتیاد به مصرف
۱۰		نهادهای مالی	<ul style="list-style-type: none"> مطلوبیت زمان حال سرمایه‌گذاری زودبازده
۱۱	ظرفیت مالیات‌گیری	<ul style="list-style-type: none"> کاهش پاسخگویی دولت استفاده از منابع عمومی انتقال هزینه‌ها به آینده 	
۱۲	سیستم اجتماعی	شناسایی مسئله	<ul style="list-style-type: none"> نگاه همبستگی بین عوامل تعیین مرز سیستم
۱۳		ناتوانی در شناخت آینده	<ul style="list-style-type: none"> پویایی غیرخطی بودن وابستگی تاریخی خودسامان‌دهی نامعلوم مشخصه توازن بازخورد دوطرفه

مفاهیم و ابعاد به دست آمده، هر یک با بخشی از چرخه خط‌مشی‌گذاری در ارتباطند؛ اما در یک نگاه کلی و با در نظر گرفتن تعاملات چرخه خط‌مشی‌گذاری با سایر مؤلفه‌های اجتماعی، می‌توان این ابعاد را در قالب شکل نشان داد. همان‌طور که مشاهده می‌شود خط‌مشی‌گذاران به‌عنوان محور اصلی تدوین خط‌مشی‌ها تعامل گسترده‌ای با سایر ارکان جامعه دارند. تأثیرپذیری از نهاد سیاسی و گروه‌های ذی‌نفع و همچنین لزوم توجه به مسائل جامعه و انتظارات ذی‌نفعان سبب می‌شود نتوان چرخه خط‌مشی‌گذاری را به تنهایی مورد بررسی قرار داد و در نتیجه تبیین نزدیک‌بینی سیاستی به‌عنوان یکی از آفت‌های این عرصه می‌بایست در یک نگاه فرابخشی و با در نظر گرفتن تمامی عوامل، بررسی و ریشه‌یابی شود.



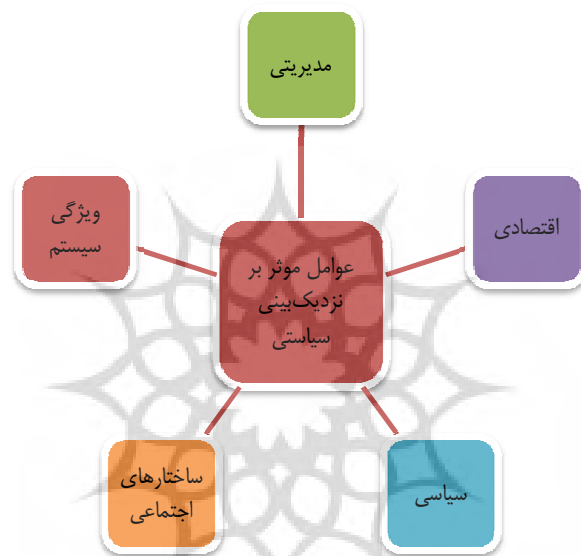
شکل شماره ۴

صنعت خودرو به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص خود از جذابیت بالایی برای دولت و گروه‌های ذی‌نفع برخوردار است و از این‌رو نقش این دو نهاد در جهت‌دهی به سیاست‌های این صنعت بسیار حائز اهمیت است.

۵-۲- تحلیل رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی

بررسی پیشینه تحقیقات نشان می‌دهد که دو حوزه مدیریت (در سطح سازمان) و اقتصاد، بیشترین توجه را به این مقوله داشته‌اند و در نتیجه نظریه‌های مطرح در این دو بخش به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت. تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست توسط عامل‌های دیگری نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. شرایط علی و

ساختارهای اجتماعی به‌عنوان بستر شکل‌گیری کنش‌های جوامع، همواره تمامی اقدامات را تحت تأثیر قرار می‌دهند اما در بسیاری از مواقع به دلیل نامشهود بودن، توجهی به آن‌ها نمی‌شود. در این تحقیق سعی گردید ساختارهای اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری نزدیک‌بینی سیاستی مورد بررسی قرار گیرد. نهاد اقتصاد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده چارچوب هر اجتماعی تصمیمات و سیاست‌های کلان جامعه را در مواجهه با آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابراین اثر این عامل نیز بر بروز و شکل‌گیری نزدیک‌بینی سیاستی بررسی گردید.



شکل شماره ۵

هر یک از عوامل فوق بر بخشی از چرخه خطامشی‌گذاری اثرگذار هستند. شناسایی مسئله و تعیین دستور جلسه می‌تواند مؤثر از نگاه‌های سیاسی و ساختار اجتماعی باشد. البته پیچیدگی محیطی و وجود فاصله زیاد میان علت و معلول نیز بر این موضوع بی‌تأثیر نخواهد بود. مخاطبان سیاست‌ها چگونه می‌توانند بر سیاست‌های وضع‌شده نظارت کنند؟ این مسئله تا حد زیادی مؤثر از ساختار نهاد سیاسی کشور است. تنظیم خطامشی از طریق سازمان‌ها صورت می‌گیرد و نگاه‌های مدیریتی بر این موضوع تأثیر دارد و می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری نزدیک‌بینی سیاستی را فراهم کند. در جدول زیر سعی شده است ارتباط میان هر یک از این حوزه‌های شش‌گانه و چرخه خطامشی‌گذاری تبیین گردد.

جدول شماره ۸

بررسی تأثیر هر یک از حوزه‌های مطالعاتی بر مراحل خطمشی					
سیستم اجتماعی	اقتصادی	ساختار اجتماعی	سیاسی	مدیریتی	
✓	✓	✓	-	-	توجه به آینده
✓	✓	-	✓	-	منابع خطمشی
-	-	-	✓	✓	مخاطبان خطمشی
✓	-	✓	-	✓	سیاست‌گذاران
✓	-	✓	✓	✓	مسئله‌یابی
✓	-	✓	-	✓	سازمان‌های خطمشی‌گذار

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، هر یک از رویکردهای پنج‌گانه تنها به بخشی از مؤلفه‌های شش‌گانه‌ای که بر نزدیک‌بینی تأثیر دارند، توجه نموده‌اند. رویکرد مدیریتی، با توجه به سطح تحلیل خود که سازمان می‌باشد، عمدتاً به فرآیند و چگونگی شکل‌گیری خطمشی می‌پردازد و در نتیجه آسیب‌های این حوزه را مدنظر قرار داده است. در بررسی مطالب ارائه شده در ذیل عوامل سیاسی مؤثر بر بروز نزدیک‌بینی سیاستی، دو عامل مورد تأکید قرار گرفته است:

- رابطه مردم و دولت
- استقلال مالی دولت

به نظر می‌رسد الگوی ارائه‌شده از سوی کالاهان (۲۰۰۶) به‌خوبی این مسئله را تبیین می‌کند. کالاهان بیان می‌کند که نقش‌ها، روابط و الگوهای رفتاری بین شهروندان و دولتمردان طی پارادایم‌های مدیریت دولتی، تغییرات متمایزی داشته است که به‌صورت حالات زیر می‌باشد:

۱. شهروند به‌عنوان موضوع/ تابع - دولتمردان به‌عنوان حاکم / قانون‌گذار^۱
۲. شهروند به‌عنوان رأی‌دهنده - دولتمردان به‌عنوان مجری^۲
۳. شهروند به‌عنوان ارباب‌رجوع - دولتمردان به‌عنوان خیره^۳
۴. شهروند به‌عنوان مشتری - دولتمردان به‌عنوان کارآفرین / حرفه‌ای^۴
۵. شهروند به‌عنوان شهروند - دولتمردان به‌عنوان خدمت‌گزار عمومی^۵
۶. شهروند به‌عنوان مالک / کارفرما - دولتمردان به‌عنوان کارمند^۶

حالات شش‌گانه مطرح‌شده از سوی کالاهان به‌خوبی نحوه تعامل دولت و ملت را با یکدیگر تبیین می‌کند. بررسی نظریات مطرح‌شده در رویکرد سیاسی به نزدیک‌بینی نشان می‌دهد که رابطه مورد نظر اغلب این

^۱ - citizen as subject- administrator as ruler

^۲ - citizen as voter- administrator as implementer

^۳ - citizen as client- administrator as expert

^۴ - citizen as customer- administrator as professional/entrepreneur

^۵ - citizen as citizen- administrator as public servant

^۶ - citizen as owner -administrator as employee

پژوهشگران، رابطه شهروند به‌عنوان رأی‌دهنده - دولتمردان به‌عنوان مجری، بوده است. از این رو به رفتارهای رأی‌دهندگان و چگونگی جلب این آرا توسط سیاسیون پرداخته شده است. در بستر این رابطه به خوبی می‌توان دو مفهوم مورد تأکید این رویکرد را مورد تحلیل قرار داد. نحوه ارتباط سیاسیون با مردم به دلیل نیاز مالی دولت‌ها به منابع مالی است و در صورت رفع این نیاز قوام این رابطه دچار تزلزل می‌شود؛ بنابراین، نگاه به دولت به‌عنوان مجری از سوی نظریه‌پردازان سیاسی، علت اصلی بروز نزدیک‌بینی سیاستی محسوب می‌شود و سیاست‌های دولت و نظام خط‌مشی‌گذاری جامعه در راستای تأمین نیازهای رأی‌دهندگان حرکت خواهد کرد.

به نظر می‌رسد پذیرش این نوع رابطه دولت و ملت موجب نوعی تغییر در نقش و کارکرد دولت شده است. پذیرش تعهدات متعدد از سوی دولت سبب شده امکان بهره‌برداری از منابع متعارف از قبیل مالیات برای آن‌ها دشوار باشد. از سویی به دلیل وابستگی مقبولیت آن‌ها به رضایت رأی‌دهندگان، تلاش فراوانی می‌شود تا از بروز فشار بیشتر بر مردم به‌عنوان صاحبان اصلی دولت پرهیز شود. در نتیجه نوعی تغییر در منابع مالی دولت مشاهده می‌شود که همین مسئله موجب تغییر در سه حوزه ذیل خواهد شد.

جدول شماره ۹

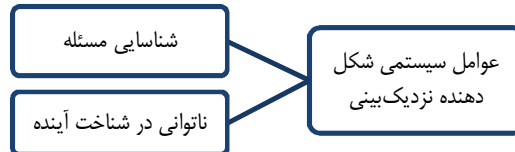
تحلیل رویکردهای تبیین نزدیک‌بینی - رویکرد اقتصادی
هزینه‌های دولت
ظرفیت مالیات‌گیری
نهادهای مالی
رفتار مصرف‌کننده

در رویکرد ساختارهای اجتماعی نیز مسئله‌یابی و توجه به سازمان‌های خط‌مشی‌گذار، به‌عنوان محورهای اصلی، شناخته شده است. در این رویکرد سعی شده است میزان تأثیرپذیری سیاست‌گذار به‌عنوان عضوی از جامعه از ساختارهای اجتماعی نشان داده شود. افراد در رویارویی با پیچیدگی‌های طاقت‌فرسای دنیای واقعی، فشار زمان و توانایی‌های شناختی محدود، مجبور به روش‌های متداول، عادت‌ها، قواعد علمی و مدل‌های ذهنی ساده برای تصمیم‌گیری هستند.



شکل شماره ۶

رویکرد پویایی سیستم سعی کرده است از طریق مفهوم پیچیدگی به تبیین نزدیک‌بینی بپردازد. در نگاه نظریه‌پردازان این رویکرد، عدم توجه به روابط متعدد و غیرخطی پدیده‌ها با یکدیگر و همچنین محصور کردن این روابط در افق زمانی حال، سبب بروز نزدیک‌بینی سیاستی خواهد شد.



شکل شماره ۷

۶- بحث و نتیجه‌گیری

پدیده نزدیک‌بینی در سیاست‌های صنعت خودرو موضوع مهمی است که سبب شده این صنعت علی‌رغم جایگاه راهبردی‌اش، دچار چالش‌ها و معضلات فراوانی باشد. در این پژوهش سعی گردید با تبیین این پدیده از طریق رویکردهای پنج‌گانه مدیریتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سیستم پویا به مؤلفه‌های آن دست پیدا کرد. از آنجا که این رویکردها هر یک مبتنی بر مبانی و خاستگاه مختص به خود می‌باشند، هر کدام به بخشی از این مفهوم پرداخته‌اند. در تحلیل این رویکردها تلاش شد از طریق روش تحلیل کیفی، مفاهیم مورد تأکید هر یک از رویکردها احصاء شده و روابط میان آن‌ها ترسیم گردد و در ادامه به نواقص و کمبودهای آن‌ها پرداخته شد. در مجموع می‌توان گفت در یک نگاه طیفی برخی نزدیک‌بینی را معلول ساختارهای اجتماعی تلقی می‌کنند، کمترین نقش را برای خط‌مشی‌گذاران قائل هستند و اصلاح آن را منوط به تغییر شرایط اجتماعی می‌دانند؛ درحالی‌که در سر دیگر طیف، نوع نگاه سیاست‌گذار به آینده و محیط و چگونگی تحلیل آن، علت اصلی دانسته شده که به نظر می‌رسد نوعی رویکرد تجمیعی می‌تواند فهم عمیق‌تری از این موضوع ارائه کند. توسعه نگاه بلندمدت و پرهیز از بخشی‌نگری، راهکاری است که می‌تواند صنعت خودرو را از بسیاری از چالش‌های فعلی برهاند و این مهم از رهگذر شناخت و در نتیجه رفع نزدیک‌بینی قابل تحقق خواهد بود. آنچه به نظر می‌رسد در رویکردهای پنج‌گانه مورد توجه قرار نگرفته است، دو عامل زیر است:

- ویژگی‌های شخصیتی خط‌مشی‌گذار
- ویژگی‌های صنعت

به نظر می‌رسد تدوین خط‌مشی را می‌توان یک فرآیند کیفی دانست و در این مسیر، خط‌مشی‌گذار تأثیر به‌سزایی در تلفیق داده‌ها و ارائه راهکارهای پیشنهادی دارد. نوع نگاه به آینده، میزان ریسک‌پذیری و سن وی از جمله عواملی هستند که تأثیر غیرقابل‌انکاری بر بسته‌های سیاستی دارند. صنعت نیز دارای ویژگی‌های مختص به خود می‌باشد که بروز پدیده نزدیک‌بینی از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. نوع مکانیسم‌های نظارتی، منفعت‌های پیدا و پنهان، وابستگی به مسیر و مواردی از این قبیل می‌توانند احتمال بروز نزدیک‌بینی را در

یک صنعت خاص افزایش دهند. امید است با فهم کامل و جامع این پدیده، خطمشی‌گذاری صنعت خودرو در مسیر کارآمدتری حرکت نماید.

راهکارهای مقابله با نزدیک‌بینی در صنعت خودرو

نزدیک‌بینی سیاستی به‌عنوان یکی از چالش‌های پیش روی متولیان صنعت خودرو، وابستگی به مسیر بالایی برای این صنعت ایجاد کرده است. فهم اشتباه از مسئله اصلی صنعت خودرو در کنار راهکارهای مبتنی بر سطح روی‌دادگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا خروج از ریل ناکامی‌های این صنعت بسیار مشکل گردد. صنعت خودرو برای غلبه بر نزدیک‌بینی سیاستی خود نیازمند ایجاد یک رابطه سه‌گانه است: دولت به‌عنوان نهاد نظارتی و خطمشی‌گذار، عرضه‌کنندگان (فنی - دانشی) و متقاضیان. تمامی این تعاملات از طریق نهادهای مالی صورت خواهد پذیرفت. پرهیز از نزدیک‌بینی در هدف‌گذاری بازار به‌عنوان پیشران این صنعت سبب خواهد شد ایده‌های دانشی و فنی از منظر اقتصادی نیز دارای مطلوبیت باشد و در نتیجه امکان رقابت برای آن‌ها در مواجهه با رقبای خارجی فراهم باشد. دولت هم از طریق دو ابزار سیاست‌گذاری و نظارت، توافقی ملی ایجاد خواهد کرد تا صنعت خودرو بر پایه معیارهای بلندمدت، طراحی و مستقر شود و منافع آن در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت بررسی نشود تا امکان انتقال چالش به سایر حوزه‌ها وجود نداشته باشد. تنها در سایه چنین حرکتی است که می‌توان انتظار داشت همکاری صنعت خودرو و مراکز علمی و دانشگاهی در بهره‌ورترین شکل، بروز و ظهور پیدا کند و در نتیجه با کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه تولید، بیش از پیش مقرون‌به‌صرفه باشد.



شکل شماره ۸

با توجه به آنچه در این تحقیق به دست آمده است، می‌توان موارد زیر را در جهت مقابله با نزدیک‌بینی در صنعت خودرو و ایجاد مطلوب روابط سه‌گانه فوق پیشنهاد کرد:

- افزایش میزان خودآگاهی مدیران صنعت خودرو به منظور غلبه بر محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی
- توجه خطمشی‌گذاران صنعت خودرو به منابع بین‌نسلی و تلاش در جهت حفظ آن‌ها
- ایفای نقش پررنگ‌تر دولت در نظارت و ارزیابی صنعت خودرو

- تلاش برای جلوگیری از فساد اداری به منظور جهت‌دهی به خط‌مشی‌ها
- کنترل حوزه‌های زودبازده و ایجاد مکانیسم بازدارنده به منظور نیل به مسیرهای بلندمدت
- پرهیز از اقتصاد رانتیر به منظور دستیابی به منابع عمومی
- ایجاد شرایط رقابتی در صنعت خودرو



References:

منابع :

۱. استرمن، جان (۱۳۸۶)، «پویایی‌شناسی سیستم»، ترجمه شهرام میرزایی‌دریانی و دیگران، تهران، نشر ترمه.
۲. پاکروان، محمد (۱۳۸۵)، «بیماری‌های شایع چشم به زبان ساده»، تهران، فرهنگ فردا.
۳. دنلاچ، مدوز (۱۳۹۲)، «تفکر سیستمی»، ترجمه عادل آذر و حامد تفتی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۴. دین‌پرست، فائز و علی ساعی (۱۳۹۱)، «بازسازی روش‌شناختی نظریه انتخاب عمومی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۸۷-۱۰۹.
۵. شرکت ساپکو (۱۳۹۱)، «گزارش مروری بر روند صنعت خودرو»، امور مطالعات و تحقیقات راهبردی.
۶. شولتز، دوان، (۱۳۸۶)، «نظریه‌های شخصیت»، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران، ارسباران.
۷. فرتوک‌زاده، حمیدرضا و جواد وزیری (۱۳۹۱)، «گذار به اقتصاد مقاومتی»، تهیه‌کننده: مرکز الگوی اسلامی‌ایرانی پیشرفت؛ موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۸. قنبری، علی، (۱۳۹۰)، «اقتصادهای نفتی»، تهران، چالش.
۹. کاپوراسو، جیمز. ای و دیوید پی. لوین (۱۳۸۷)، «نظریه‌های اقتصاد سیاسی»، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران، ثالث.
۱۰. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰)، «تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران»، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۱۱. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۷)، «نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخ ایران، نفت و توسعه اقتصادی»، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر مرکز.
۱۲. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، «مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. کریمی، زهرا (۱۳۸۴)، «چند مقاله در زمینه موانع نهادی توسعه»، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۲)، «طراحی مدل زنجیره تأمین ایران خودرو»، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
۱۵. میرترابی، سعید (۱۳۸۷)، «نفت، سیاست و دموکراسی بررسی پویای‌های متفاوت نفت»، تهران، قومس.

۱۶. وزیر، جواد (۱۳۹۳)، «نگاهی بر سیاست ایجاد قطب سوم خودروسازی کریستال‌های قابلیت یا کلوخ‌های هزینه»، سایت www.isti.ir.
۱۷. یوری، وحید (۱۳۹۲)، «طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۱۳، صص ۷۹.
۱۸. Alessandra, Bonfiglioli and Gino Gancia Uncertainty (May ۲۰۱۳), Electoral Incentives And Political Myopia The Economic Journal, ۱۲۳, ۳۷۳-۴۰۰.
۱۹. Dermot, Nolan (Jul. ۲۰۰۲), Capital Structure and Short-Term Decisions Author(s): Oxford Economic Papers, Vol. ۵۴, No. ۳, pp. ۴۷۰-۴۸۹.
۲۰. Healy, Andrew, Neil Malhotra Myopic Voters and Natural Disaster Policy (August ۲۰۰۹), American Political Science Review Vol. ۱۰۳, No. ۳.
۲۱. Heinemann, Dresch resources Stephen P. (۱۹۹۰), Myopia, emmetropia or hypermetropia Competitive markets and intertemporal efficiency in the utilization of exhaustible.
۲۲. Jayasri Dutta, Toke Aidt and Elena Loukoianova (August ۲۰۰۲) On Voice and Vision: A Theory of Policy Myopia.
۲۳. Kenneth D. Bailey (۱۹۹۴), Typologies and taxonomies: An introduction to classification techniques, Sage University papers: Quantitative applications in the social sciences, No. ۰۷-۱۰۲.: Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications.
۲۴. Klein, Paul, Per Krusell (July ۲۰۱۱) Time-Consistent Public; Journal of Risk and Uncertainty, ۱۹۵-۲۰۲.
۲۵. Levitt (۱۹۶۰), Intertemporal Decision Making, Studies on the working of myopia, Marketing myopia published in the Harvard Business Review, ۳۸ (July-August ۱۹۶۰), pp. ۲۴-۴۷.
۲۶. Ludwig Alexander Wolfgang Gattig, J. David Lichtenthal, Gopalkrishnan R. Iyer. (۲۰۰۳).
۲۷. Mechling Jerry, Government's Budget Myopia (Jun ۲۰۱۰), Government Finance Review; ProQuest Central, pg. ۷۵.
۲۸. Pecchenino, Rowena (۲۰۰۵), Aging, Myopia, And The Pay-as-you-go public pension, Systems of The G^v: A Bright Future, Michigan State University, Partica s. Polland, U.S. Department of the Treasury, Journal of Public Economic Theory, ۷ (۳), pp. ۴۴۹-۴۷۰.
۲۹. Rieth Malte Myopic Governments And Welfare-Enhancing, Debt Limits.
۳۰. Robert, M. Mason (۲۰۰۵), Avoiding Epistemological Myopia, Florida State University, USA.
۳۱. Thomas, Chemmanur, J (۱۹۹۹), Asymmetric Information, Corporate Myopia, and Capital, Gains Tax Rates: An Analysis of Policy Prescriptions, Journal of Financial Intermediation ۸, ۲۰۵-۲۳۱.
۳۲. Toke, Aidt, Dutta Jayasri, J. Daunton Martin (۱۹۹۹), Economic Policy and Political Myopia: Reaserch Proposal Escr Programme on The Evolving Macroeconomy, University of Cambridge April.
۳۳. Wen, Xue (۲۰۱۰), A positive approach towards social security, policy: The role of myopic agents.



پښتونستان ښار په ښار
پښتونستان ښار په ښار